سبک نظارت

داستان پیچیده امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر در جامعه ما

امر و نهی کنیم اما مهربانانه!

■ مرضیه بامیری

احتمالاً روی دیوارهای مدرسه یا نیروی انتظامی شعار امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را خوانده یا جایی دیده‌اید که وقتی از هدف‌های اصلی قیام حضرت امام حسین(ع) نام می‌برند، مهم‌ترین‌شان احیای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر است. امام می‌خواستند خیرخواهانه مردم را از اشتباه دربیاورند و به آنچه خدا وعده داده بود، دعوت کنند. آنقدر این دعوت و روشن‌سازی اذهان مردم، برای‌شان مهم بود که تن به جنگ دادند و آن همه عزیز را در راه این هدف از دست دادند و به داغ تک‌تک‌شان نشستند. آن زمان احیای نماز همان امربه‌معروف بود؛ مهمی که امام حتی در صف جنگ هم این فریضه را از دست ندادند و آن را زیر بار تیرهای اشقیا اقامه کردند. بیرون کشیدن مردم از وعده‌وعیدهای صد من یک غاز یزید ملعون و خاندانش که سعی در تخریب بنی‌هاشم داشتند، همان نهی‌ازمنکر بود، یعنی هم راه پیدا بود و هم تکلیف چاه مشخص بود. امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر دو مورد از رکن‌های اساسی و مهم فروع دین ما مسلمانان است، یعنی همتراز با نماز که حتی در جنگ هم اقامه می‌شود و خدا حتی برای سخت‌ترین شرایطش و حتی زیر آب هم حکم شرعی داده که مبادا نماز بنده‌ای ترک شود یا برای روزه‌اش قوانین سفت و سختی دارد و حتی برای شرایط خاص هم کلی قانون و تبصره وضع کرده است. حج هم که مردم خودشان عاشق آن هستند و هر ساله بسیاری از انسان‌ها به میل خود راهی خانه خدا می‌شوند تا این فریضه شرعی را انجام دهند و آن هم با قوانین خاص خودش که باید پیش از اعزام آنها را فرا گرفت... و اما بپردازیم به بحث اصلی‌مان یعنی امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر.

امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر مظلوم واقع شده است!

۱ امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر در جامعه ما مظلوم واقع و قلب و از ماهیت و حقیقتش دور شده است. مگر این دو عبارت ساده ولی بسیار مهم جزو ارکان فروع دین نیستند؟ مگر فروع دین را اگر کسی نپذیرد، از دایره مسلمانی خارج نیست؟ پس چرا امربه‌معروف یا نهی‌ازمنکر نتوانسته جایگاه خود را بیابد؟ چرا برای آن مقررات خاصی وضع نشده است یا اگر شده چرا اطلاع‌رسانی نمی‌شود و اگر می‌شود چرا کسی جدی نمی‌گیرد؟ چرا رکن دین ما خلاصه شده در برخورد با چند دختر بدحجاب و برخورد با جوان‌هایی که اتفاقاً نیاز دارند از دین، رحمت و عطوفت ببینند؟ چرا ستاد امربه‌معروف ما فقط برای ارشاد جوان‌هاست؟

تذکر با غضب و دستور راهگشا نیست

۲ بیایید این سبک امر کردن را بی‌طرفانه نقد کنیم. با طرح یک سؤال شروع می‌کنم. شما در خیابان در حال قدم زدن هستید و در افکار خود غرق شده‌اید، ناگهان فردی از پشت شما را عتاب‌گونه خطاب قرار می‌دهد و برای پوشش غیرعرف‌تان تذکر می‌دهد. همه سمت شما سر می‌چرخانند و با کنجکاوی نگاه‌تان می‌کنند. شما چه حالی می‌شوید؟ پس تذکر با غضب و دستور هیچ کجای تاریخ راه‌حل مناسبی نبوده و نیست. شما نمی‌توانید مدام از بدحجابی بد بگویید ولی حجاب درستی را برای جامعه تعریف نکنید. شما نمی‌توانید مردم را تشویق به فرزندآوری کنید، پیش از آنکه زیرساخت‌های فرهنگی، بهداشتی و اقتصادی را برای خانواده‌ها فراهم کنید. نتیجه اینکه: امربه‌معروف نیاز به زیرساخت دارد و با یک دفتر و دستک و تعیین بودجه در دفتر ادارات و سازمان‌ها کاری پیش نمی‌رود.

باید با دلیل محکم، سند و مدرک حرف زد

۳ جوان و نوجوان حالا به سادگی زیر بار نمی‌رود و برای قانع کردنش باید دلیل محکم بیاورید. باید با سند و مدرک حرف بزنید. او باورهایش تحت تأثیر هجمه دشمنان اسلام شکننده است و آنچه را می‌بیند باور می‌کند، نه آنچه می‌شنود. شما ۱۰ واحد در دانشگاه درس انفاق و دست‌گیری فقرا بگذارید ولی وقتی در اخبار فلان مسئول فقط به خوشی خود و خانواده‌اش می‌اندیشد یا هر روز خبر اختلاس و دزدی می‌شنود و از آن طرف قصه انفاق را، طبیعی است که باور نمی‌کند. او نیاز به مشاهدات عینی دارد تا آموخته‌هایش را محک بزند. شما نمی‌توانید به عنوان یک مسئول جامعه را به سمت ازدواج در سنین کم تشویق کنید و آن را برای تحکیم خانواده مؤثر بدانید ولی خودتان دخترتان را برای ادامه تحصیل و رفاه بیشتر راهی اروپا کنید.

حکایتی آموزنده از سیره پیامبر اکرم(ص)

۴ روزی زنی نزد حضرت پیامبر اکرم(ص) رفت و از ایشان خواست پسر خردسالش را نصیحت کند.

پیامبر(ص) از آن زن می‌پرسد: مگر از این بچه چه خطایی سر زده است؟ او هم در پاسخ می‌گوید: پسرم به شدت از خوردن خرما لذت می‌برد، به همین دلیل خرما زیاد مصرف می‌کند و چند روزی است که حال خوبی ندارد، اما باز هم خرما زیاد می‌خورد و من هر چقدر که او را از این کار منع می‌کنم، گوشش بدهکار نیست. حضرت محمد(ص) به آن زن فرمودند: «از شما خواهشی دارم، به خانه بازگردید و فردا مجدداً نزد من بیایید تا من فرزندت را نصیحت کنم.» آن زن به خانه‌اش برگشت و صبر کرد که فردا دوباره نزد پیامبر(ص) برود. فردای آن روز، زن دست پسرش را گرفت و نزد حضرت محمد(ص) رفت. پیامبر(ص) کنار آنها نشست و با زبانی نرم و مهربانانه با پسرک صحبت کرد. آن پسر از لحن صحبت پیامبر(ص) خیلی خوشش آمد و نصیحت رسول خدا کارساز شد. مادر آن پسر به پیغمبر(ص) گفت: از شما ممنونم که توانستید پسرم را قانع کنید تا خرما نخورد، اما خب چرا همان دیروز که خدمت‌تان رسیدیم با او صحبت نکردید؟! حضرت محمد(ص) لبخندی زدند و فرمودند: دیروز من داشتم خرما می‌خوردم و جلوه خوبی نداشت، زمانی که خودم مشغول خرما خوردن هستم، شخص دیگری را از خوردن آن منع کنم. من اگر دیروز با پسرتان صحبت می‌کردم، مطمئن بودم نصیحتم بی‌فایده است و پسرتان در ذهنش با خود می‌گفت اگر خرما ضرر دارد، چرا خود پیامبر(ص) می‌خورد؟! و همین باعث می‌شد از من حرف‌شنوی نداشته باشد. نصیحت زمانی تأثیر دارد که شخص نصیحت‌کننده، خودش هم آن کار را انجام ندهد.

رطب خورده منع رطب چون کند؟

۵ ریشه ضرب‌المثل «رطب خورده منع رطب چون کند؟» به ماجرای فوق برمی‌گردد.

حکایت امروز جامعه ماست. هر روز مردم را به کارهایی تشویق یا امر می‌کنیم که خودمان باور نداریم و این نسخه را برای خودمان تجویز نمی‌کنیم. در سازمانی امام جماعت صحبت از اسراف در جامعه می‌کند و از مذمت‌هایش می‌گوید، ولی چند قدم جلوتر در سالن اجتماعات همان سازمان برای معارفه و تودیع مدیری تاج گل‌های بسیاری خریده‌اند و یک‌شبه همه راهی زباله‌دان می‌شود. آیا این نقض حرف‌های خودمان نیست؟ یا مدیر و ناظم مدرسه‌ای بچه‌ها را وادار به حجاب می‌کنند ولی خودشان خارج از ساعت مدرسه، غیرعرف لباس می‌پوشند. مدیرها مردم را به ساده‌زیستی دعوت می‌کنند ولی بچه‌هایشان برای یک مدل ماشین بالاتر با همدیگر رقابت می‌کنند. آموزگار برای شاگردش حرف از ساده‌زیستی امام علی(ع) می‌زند که باید الگوی ما باشد، ولی خودش از مدل ماشین و ویلای شمالش تعریف می‌کند. تناقض‌ها پدر دینداری مردم و به خصوص جوان‌ها را درمی‌آورد. وقتی تمام شرایط سخت و قوانین به اصطلاح اسلامی برای آنها وضع می‌شود و عده‌ای از آن مبرا هستند، نه تنها حرف زدن و نصیحت بی‌فایده است بلکه آدم‌ها به دین بدبین می‌شوند و همان اعتقاد قلبی‌شان هم به مرور کمرنگ می‌شود، زیرا همه حرف می‌زنند و کسی به ندرت عمل می‌کند. وقتی شما به مردم می‌گویید کالای ایرانی استفاده کنند ولی آقازاده‌ها دنبال لوازم و برند لاکچری هستند، نمی‌توانید با مردم از ساده‌زیستی و حمایت از تولید ملی حرف بزنید. این دینی که برای ما یادگار مانده است عده بی‌شماری برایش جان داده و خون دل خورده‌اند. راحت به ما نرسیده که بعضی‌ها راحت آن را با ندانم‌کاری‌های‌شان به باد دهند. فکری به حال امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر کرده و از خودمان شروع کنیم. بیایید نهی‌ازمنکر را از خودمان شروع کنیم. از اختلاس نهی کنید، از قانون‌هایی که زندگی مردم را به جای راحتی بیشتر به زحمت می‌اندازد. نهی کنید مدیرانی که سواد کافی ندارند. نهی کنید انتصاب‌های قومی- قبیله‌ای را. گرانی را نهی کنید. دروغگویی‌های مزمن را درمان کنید.

امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر از جهاد هم دشوارتر است

۶ این روزها امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر از جهاد دشوارتر است. اگر بخواهی دستور خدا را به جا بیاوری، باید فحش بخوری، تمسخر شوی یا همیشه تنها بمانی. اگر به یک عروسی پرتجمل و مختلط دعوت شوید، تنها گزینه برای دوری از گناه و حفظ اعتقادتان نرفتن به عروسی است، چون اگر بروید در مقابل وضع موجود تاب نمی‌آورید و تذکری می‌دهید که نه تنها گوش نمی‌کنند بلکه اختلاف هم ایجاد می‌شود و چه بسیار ازدواج‌هایی که همان اول کار به خاطر اختلاف عقاید طرفین به جدایی کشیده است. شما جرئت نمی‌کنی کسی را به خواندن نماز دعوت کنی. جالب است! قدیمی‌ها تعصب خاصی روی نمازهای فرزند خود داشتند و اگر با زور هم بود، آنها را بیدار می‌کردند تا نماز صبح‌شان قضا نشود. ولی حالا اگر بگویی نماز بخوان، اول از همه همان فرزندت بالای منبر می‌رود که هر کس برای انتخاب راهش آزاد است و خدا به دل آدم‌ها کار دارد و نه اعمال‌شان. وقتی نمی‌توانیم فرزند خود را مجاب کنیم، چطور به دیگران رهنمون کنیم؟ واقعیت این است که ما نهی کردن را بلد نیستیم. بلد نیستیم طرف مقابل را با حرف‌هایمان قانع کنیم، چراکه اغلب حرف‌های ما از روی تعصب و کلیشه است و نه دانش و آگاهی. فرض کنید جوانی در ماه محرم با صدای بلند آهنگ رپ گوش می‌دهد. برخورد دیگران با این صحنه چیست؟ دسته اول عصبانی می‌شوند و توی شکم جوان می‌روند که چرا به اعتقادات توهین می‌کند؟ عده‌ای دچار درگیری لفظی می‌شوند و حتی کارشان به فحش‌کاری می‌رسد. عده‌ای بی‌تفاوت می‌گذرند. عده‌ای هم‌عقیده با او برایش کف می‌زنند و ایول داداش می‌گویند. عده‌ای می‌گویند ای بابا! هر روز بساط آه و ناله به راه است. حالا یک مرد پیدا می‌شود که او را نصیحت کند. از کدام راه و با کدام منطق؟

شاید می‌گوید:

- پسرم تا حالا عزیز از دست داده‌ای؟

- بله.

- اگر مادر یا پدر رفیقت به رحمت خدا رفته باشد، شما می‌توانی با صدای بلند جلوی رفیقت آهنگ رپ گوش کنی؟

- البته که نه. داغ رفیقم داغ منم هست. اصلاً دل و دماغش را ندارم.

- آفرین پسر خودت جواب خودت را دادی. کسی تو را وادار نکرده صدای آهنگ را کم کنی، ولی به احترام دوستت این کار را می‌کنی. حالا اگر می‌گویند صدای آهنگت را کم کن به خاطر همان بحث احترام است. ما در محضر مادر امام حسین(ع) شرمنده می‌شویم روزهای سوگواری اباعبدالله(ع) را به خوشی و شادی بگذرانیم. اگر هم بخواهیم دل و دماغش را نداریم. سعی می‌کنیم حرمت نگه داریم. پس یادتان باشد برای امر و نهی کردن دیگران باید باسواد و اهل مطالعه بود و حرف زدن و زبان گفت‌وگو را خوب فرا گرفت. شما هر قدر هم دانا باشید و ذهن‌تان گنجینه علوم باشد تا نتوانید آن را به دیگری منتقل کنید، عملاً دانش‌تان بیهوده است، پس برای امر یا نهی کردن آدم‌ها اول روی خودتان کار کنید و گفت‌وگومحوری را در جامعه گسترش دهید. قدرت نقدپذیری آدم‌ها باید رشد کند تا هر تلنگر یا حرفی را نشانه توهین ندانند و دعوا نکنند. باید ادب را یاد بگیریم و کسی را به خاطر اشتباهش مؤاخذه یا تمسخر نکنیم. یادتان باشد ما حق نداریم کسی را تنبیه یا مجازات کنیم، حتی اجازه قضاوت شخص را نداریم. فقط آنچه را که فکر می‌کنیم درست است با ملایمت گوشزد می‌کنیم.

> هر روز مردم را به کارهایی تشویق یا امر می‌کنیم که خودمان باور نداریم و این نسخه را برای خودمان تجویز نمی‌کنیم. در سازمانی امام جماعت صحبت از اسراف در جامعه می‌کند و از مذمت‌هایش می‌گوید، ولی چند قدم جلوتر در سالن اجتماعات همان سازمان برای معارفه و تودیع مدیری تاج گل‌های بسیاری خریده‌اند و یک‌شبه همه راهی زباله‌دان می‌شود. آیا این نقض حرف‌های خودمان نیست؟

> برای امر و نهی کردن دیگران باید باسواد و اهل مطالعه بود و حرف زدن و زبان گفت‌وگو را خوب فرا گرفت. شما هر قدر هم دانا باشید و ذهنتان گنجینه علوم باشد تا نتوانید آن را به دیگری منتقل کنید، عملاً دانش‌تان بیهوده است. پس برای امر یا نهی کردن آدم‌ها اول روی خودتان کار کنید و گفت‌وگومحوری را در جامعه گسترش دهید. قدرت نقدپذیری آدم‌ها باید رشد کند تا هر تلنگر یا حرفی را نشانه توهین ندانند و دعوا نکنند

راهنما

امر به معروف و نهی از منکر در کلام مقام معظم رهبری

جامعه را به سمت نیکی سوق دهیم

اهمیت راهبردی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی بر هیچ کسی پوشیده نیست و بر این سیاق همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده است. معظم‌له در فرمایشات متعددی به اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. گزیده‌ای از رهنمودهای ایشان در این مقال گردآوری شده است.

■■■

■ **آمر به معروف را نباید تنها گذاشت**

یک قلم از حقوق عامه همین مسئله امر به معروف و نهی از منکر است، البته متأسفانه این واجب آنچنان که باید و شاید در جامعه ما جاری نیست اما گوشه و کنار هستند کسانی که آمر به معروف و ناهی از منکرند، اینها را نباید تنها گذاشت، باید از اینها حمایت کرد، البته بنده هم می‌دانم که بعضی هستند به نام امر به معروف و نهی از منکر بیخودی هیاهو می‌کنند و مقاصد دیگری را دنبال می‌کنند. ۱۴۰۰/۰۴/۰۷

■ **امربه‌معروف وظیفه همه مؤمنان است**

امربه‌معروف یعنی همه مؤمنان در هر نقطه‌ای از عالم که هستند، موظفند جامعه را به سمت نیکی، به سمت معروف، به سمت همه کارهای نیکو حرکت دهند و نهی از منکر یعنی همه را از بدی‌ها، از پستی‌ها، از پلشتی‌ها دور بدارند.. ۱۳۹۴/۰۱/۰۱

■ **برای معروف‌ها تلاش کنیم**

معروف‌ها اینها هستند: اعتلای فرهنگ، سلامت محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تکثیر نسل و تربیت نسل جوان آماده برای اعتلای کشور، رونق دادن به اقتصاد و تولید، همگانی کردن اخلاق اسلامی، گسترش علم و فناوری، استقرار عدالت قضایی و عدالت اقتصادی، مجاهدت برای اقتدار ملت ایران و ورای آن و فراتر از آن، اقتدار امت اسلامی و تلاش و مجاهدت برای وحدت اسلامی مهم‌ترین معروف‌ها اینهاست و همه موظفند در راه این معروف‌ها تلاش کنند، امر کنند. ۱۳۹۴/۰۱/۰۱

■ **فقط با اخلاق خوب تذکر دهید**

قاطعیت یعنی چه؟ یعنی برخورد فیزیکی و جسمانی؟ اینکه درست نیست و ما اصلاً این را توصیه نمی‌کنیم اما گفتن و تذکر دادن، خوب است. چه اشکال دارد با اخلاق خوب تذکر دهند؟ دیروز حدیثی را برای جمعی می‌خواندم که آمر به معروف و ناهی از منکر باید خودش به آنچه دارد امر و نهی می‌کند، هم عالم باشد و هم عامل. «رفیق لمن یأمر و رفیق لمن ینهی» با رفق و مدارا امر و نهی کند. امر و نهی، یعنی دستور دادن- بکن، نکن- غیر از تمنا کردن است اما همین را با رفق، مدارا و محبت- نه با خشونت- انجام دهد. به نظرم این طوری باید عمل شود. ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

■ **نیکی و بدی، همچنان نیکی و بدی بماند**

اولین فایده امر به معروف و نهی از منکر همین است که نیکی و بدی، همچنان نیکی و بدی بماند. از طرف دیگر، وقتی در جامعه گناه منتشر شود و مردم با گناه خو بگیرند، کار کسی که در رأس جامعه قرار دارد و می‌خواهد مردم را به خیر و صلاح و معروف و نیکی سوق دهد، با مشکل مواجه خواهد شد، یعنی نخواهد توانست یا به آسانی نخواهد توانست و مجبور است با صرف هزینه فراوان این کار را انجام دهد. یکی از موجبات ناکامی تلاش‌های امیرمؤمنان- با آن قدرت و عظمت- در ادامه این راه که بالاخره هم به شهادت آن بزرگوار منجر شد، همین بود. ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

■ **امر به معروف زبانی، بدون مرحله قلب کامل نخواهد شد**

امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای نیک امر کردن. نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای بد نهی کردن. امر و نهی، فقط زبان و گفتن است، البته یک مرحله قبل از زبان هم دارد که مرحله قلب است و اگر آن مرحله باشد، امر به معروف زبانی، کامل خواهد شد. وقتی که شما برای کمک به نظام اسلامی مردم را به نیکی امر می‌کنید، مثلاً احسان به فقرا، صدقه، رازداری، محبت، همکاری، کارهای نیک، تواضع، حلم، صبر و می‌گویید این کارها را بکن، هنگامی که دل شما نسبت به این معروف، بستگی و شیفتگی داشته باشد، این امر شما، امر صادقانه است. وقتی کسی را از منکرات نهی می‌کنید، مثلاً ظلم کردن، تعرض کردن، تجاوز به دیگران، اموال عمومی را حیف و میل کردن، دست‌درازی به نوامیس مردم، غیبت کردن، دروغ گفتن، نمامی کردن، توطئه کردن، علیه نظام اسلامی کار کردن، با دشمن اسلام همکاری کردن و می‌گویید این کارها را نکن، وقتی که در دل شما نسبت به این کارها بغض وجود داشته باشد، این نهی، یک نهی صادقانه است و خود شما هم طبق همین امر و نهی‌تان عمل می‌کنید. اگر خدای نکرده دل با زبان همراه نباشد، آنگاه انسان مشمول این جمله می‌شود که «لعن الله الامرین بالمعروف التارکین له». کسی که مردم را به نیکی امر می‌کند، اما خود او به آن عمل نمی‌کند، مردم را از بدی نهی می‌کند، اما خود او همان بدی را مرتکب می‌شود، چنین شخصی مشمول لعنت خدا می‌شود و سرنوشت بسیار خطرناکی خواهد داشت. ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

■ **بهترین شیوه نظارت عمومی**

اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است و بعضی افراد دیگر درنمی‌آیند بگویند «آقا! این فضولی کردن است»! نه این همکاری کردن است این نظارت عمومی است این کمک به شیوع خیر است این کمک به محدود کردن بدی و شر است کمک به این است که در جامعه اسلامی، گناه، همیشه گناه تلقی شود. بدترین خطرها این است که یک روز در جامعه، گناه به عنوان ثواب معرفی شود کار خوب به عنوان کار بد معرفی شود و فرهنگ‌ها عوض شود. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رایج شد، این موجب می‌شود که گناه در نظر مردم همیشه گناه بماند و تبدیل به ثواب و کار نیک نشود. بدترین توطئه‌ها علیه مردم این است که طوری کار کنند و حرف بزنند که کارهای خوب، کارهایی که دین به آنها امر کرده است و رشد و صلاح کشور در آنهاست در نظر مردم به کارهای بد و کارهای بد به کارهای خوب تبدیل شود. این خطر بسیار بزرگی است. ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

■ **نهی از منکر در محیط خانواده**

در محیط خانواده هم می‌شود نهی از منکر کرد. در بعضی از خانواده‌ها حقوق زنان رعایت نمی‌شود. در بعضی از خانواده‌ها حقوق جوانان رعایت نمی‌شود. در بعضی از خانواده‌ها، به خصوص حقوق کودکان رعایت نمی‌شود. اینها را باید به آنها تذکر داد و از آنها خواست. حقوق کودکان را تضییع کردن، فقط به این هم نیست که انسان به آنها محبت نکند نه. سوءتربیت‌ها، بی‌اهتمامی‌ها، نرسیدن‌ها، کمبود عواطف و از این قبیل چیزها هم ظلم به آنهاست. ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

■ **مصادیق نهی از منکر در محیط اجتماعی**

منکراتی که در سطح جامعه وجود دارد و می‌شود از آنها نهی کرد و باید نهی کرد، از جمله اینهاست: اتلاف منابع عمومی، اتلاف منابع حیاتی، اتلاف برق، اتلاف وسایل سوخت، اتلاف مواد غذایی، اسراف در آب و اسراف در نان. ما این همه ضایعات نان داریم، اصلاً این یک منکر است، یک منکر دینی است، یک منکر اقتصادی و اجتماعی است، نهی از این منکر هم لازم است. هر کسی به هر طریقی که می‌تواند یک مسئول یک طور می‌تواند، یک مشتری نانوایی یک طور می‌تواند، یک کارگر نانوایی طور دیگر می‌تواند. ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

> اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است و بعضی افراد دیگر درنمی‌آیند بگویند «آقا! این فضولی کردن است»! نه این همکاری کردن است این نظارت عمومی است، این کمک به شیوع خیر است